



**باید توجه داشت که در صحنه عمل اتفاقاتی افتاده است. گروه‌هایی که ترکیه به این معادله (مسئله حل بحران سوریه) آورده از جبهه‌النصره شکست خورده‌اند و خیلی وجود خارجی ندارند. باید اینها را در یک بازه بلندمدت بررسی کرد. ما کماکان امیدواریم بتوانیم در همکاری با همسایگان ترک خود و روسیه آتش‌بس سه‌جانبه را تقویت کرده و ادامه دهیم. دنبال تنش و تشنج با ترکیه نیستیم. دنبال تنش و تشنج با سعودی نیز نیستیم. ما معتقد هستیم آینده منطقه نیازمند همکاری است**

اصلا غیرمنتظره نبود. به خاطر اینکه ایران به عنوان یک کنشگر مؤثر، معقول و منطقی در کنفرانس مونیخ شرکت داشت؛ بنابراین ما درباره شرایط جهانی و دنیای پس‌اگرایی صحبت کردیم. اینها بحث‌های بسیار مهم نظری است. یکی از موضوعات این اجلاس پس‌اگرایی بود. دیپلماتیک کتابی با عنوان «دوران گذار روابط بین‌الملل در جهان پس‌اگرایی» تألیف کرده‌ایم که چاپ شده و آماده توزیع است؛ یعنی ما در پنج، شش سالی که این کتاب در حال تحقیق و نگارش بود، به استقبال تفکری رفتیم که کنفرانس امنیتی مونیخ به عنوان مهم‌ترین کنفرانس امنیتی دنیا، امروز به آن رسیده و عنوان اجلاس ۲۰۱۷ خود را «شرایط پس‌اگرایی و پسانظم» قرار داده است. همان‌طور که گفتیم ما در دنیای «پس‌اگرایی» زندگی می‌کنیم؛ یعنی برخلاف دوران گذشته همه تحولات در غرب به وسیله غربی‌ها صورت نمی‌گیرد.

ما در کنفرانس مونیخ در این‌باره صحبت کردیم و گفتیم در این دنیا و در منطقه ما چه باید کرد. گفتیم مختصات این دنیا چیست و مشکلات منطقه و به‌ویژه خلیج فارس را چطور باید حل کنیم؛ یعنی به عنوان یک کنشگر جدی و مؤثر که نفوذ خود را نیز نشان داده است، برای آینده فکر می‌کنیم. کنشگرانی هم هستند که در گذشته انتخاب‌های غلطی داشته‌اند. رژیم سعودی و همسایگان ما در ترکیه متأسفانه از این‌گونه انتخاب‌های غلط زیاد داشته‌اند. آنها نسبت به کنشگر مؤثر (ایران) عکس‌العمل نشان می‌دهند. طبیعی است که وقتی شما کنشگر مؤثر و در حال ترسیم آینده هستید، کنشگر انفعالی عکس‌العمل نشان می‌دهد و سنگ‌اندازی می‌کند.

**شاید درباره عربستان سعودی قابل انتظار بود، اما ترکیه نیز که به تازگی با همکاری در چارچوب ائتلاف با ایران و روسیه در حوزه سوریه اشتباهات قبلی خود را جبران کرده بود، با آنها هم‌نوا شد.**

در این مورد هم باید توجه داشت که در صحنه عمل اتفاقاتی افتاده است. گروه‌هایی که ترکیه به این معادله (مسئله حل بحران سوریه) آورده از جبهه‌النصره شکست خورده‌اند و خیلی وجود خارجی ندارند. باید اینها را در یک بازه بلندمدت بررسی کرد. ما کماکان امیدواریم بتوانیم در همکاری با همسایگان ترک خود و روسیه آتش‌بس سه‌جانبه را تقویت کرده و ادامه دهیم. دنبال تنش و تشنج با ترکیه نیستیم. دنبال تنش و تشنج با سعودی نیز نیستیم. ما معتقد هستیم آینده منطقه نیازمند همکاری است، اما شما سؤال کردید چرا این رفتار را کردند، من گفتم چندان غیرمنتظره نبود. ضمن اینکه می‌خواهند فضاسازی کنند. شاهد بودیم غربی‌ها و اروپایی‌ها که نگرانی‌هایی دارند، همه بر ضرورت رعایت برجام تأکید و در حوزه نگرانی‌های خود صحبت کردند، اما اینها می‌خواهند فضاسازی کنند؛ زیرا امیدوار هستند ناکامی‌های گذشته خود را با یک دولت تازه‌وارد جبران کنند. قصد توهین به هیچ دولتی را ندارم. هر دولتی در آمریکا در صد روز اول کار خود تازه‌وارد است. این دوره برای آقای ترامپ ممکن است کمی طولانی‌تر شود؛ زیرا هیچ‌کس پیش‌تر احتمال پیروزی او را نمی‌داد. ما باید توقع داشته باشیم همه کنشگران داخلی و خارجی آمریکا و گروه‌های فشار در این دوران تلاش کنند تا بیشترین اثرگذاری را داشته باشند. آنچه در مونیخ دیدید بخشی از این تلاش‌هاست. به این نکته نیز توجه داشته باشید که نوع شرکت ما در کنفرانس امنیتی مونیخ، کاملاً متفاوت بود. بنده در ابتدای روز و در جلسه‌ای به ریاست رئیس کنفرانس امنیتی مونیخ سخنرانی کردم و آن سه سخنران در شرایط دیگری و پس از من صحبت کردند.

**به مسائل منطقه بیشتر بپردازیم؛ گفته شد کویت از جانب کشورهای شورای همکاری خلیج فارس پیامی برای ایران آورده است. بعد هم آقای روحانی به عمان و کویت سفر کردند. تا جایی که محرمانه نیست و می‌توانید از محتوای پیام بگویید.**

کلیات این پیام طرح پیشنهاد تعامل منطقه‌ای بود. پیشنهاد تعامل منطقه‌ای را ایران در سال ۶۵ داده بود. شاید خیلی‌ها به خاطر نداشته باشند که آن زمان آقای دکتر ولایتی نامه‌ای به دبیر کل وقت سازمان ملل متحد نوشتند. اوج جنگ نفت‌کش‌ها در خلیج فارس بود و پیشنهاد کردیم برای جلوگیری از گسترش جنگ باید ترتیبات امنیت منطقه‌ای داده شود. آن نامه مبنای بند هشت قطع‌نامه ۵۹۸ که مبنای آتش‌بس در جنگ ایران و عراق بود، شد. قطع‌نامه ۵۹۸ می‌گوید کشورهای منطقه باید برای ترتیبات امنیت منطقه‌ای همکاری کنند. از همان زمان، ایران بر این مسئله اصرار داشت. اگر شما مواضع جمهوری اسلامی بعد از حمله صدام به کویت را بررسی کنید، مشاهده می‌کنید که می‌گفتیم اگر بند هشت قطع‌نامه ۵۹۸ اجرا شده بود امروز شاهد این واقعه هولناک (حمله صدام به کویت) نبودیم. بعد از آن نیز همیشه بر این اصل اصرار داشته‌ایم. آقای

دیگر کشورها قرار دهیم؛ یعنی باید برجام برای کشورها نگرانی تغییرات آب‌وهوایی و... دارد نیز در بین چند اولویت نخست باشد. این چطور ایجاد می‌شود؟ بخشی از این به اهمیت خود برجام به عنوان تنها مورد پیروزی دیپلماسی بر تحمل، فشار و جنگ و دعوا در سالیان گذشته مربوط است. اگرچه اروپایی‌ها در برجام منافع اصولی دارند، اما نیاز است منافع اقتصادی نیز داشته باشند. هرچه ما تراکم همکاری‌های اقتصادی بر پایه منافع دوجانبه با این کشورها را افزایش دهیم، امکان برهم‌زدن برجام کاهش پیدا می‌کند.

**از افزایش همکاری‌ها با دیگر کشورها و اثر آن در حفظ برجام می‌گویید. اما یک گمانه بدبینانه که بعد از روی‌کار آمدن ترامپ طرح شد، درباره همکاری‌های ایران و روسیه است. برخی می‌گویند با توجه به نزدیکی بوتین و ترامپ ممکن است ایران در قضیه سوریه دور زده شود؛ نظرتان چیست؟**

بدون اینکه راجع به افراد صحبت کنیم، اعتقاد دارم شرایط جهان به گونه‌ای است که نه یک قدرت و نه حتی جمعی از قدرت‌ها، نمی‌توانند با حذف دیگران به نتیجه برسند. این ربطی به کسی ندارد و صرفاً به شرایط بین‌المللی مربوط می‌شود. جهان امروز ما یک جهان پس‌اگرایی است، اما ما هنوز طبق عادت به جهانی فکر می‌کنیم که تحولات آن با در غرب (به شمول روسیه) اتفاق می‌افتد یا از سوی غربی‌ها شکل می‌گیرد؛ در حالی که این دنیا گذشته است؛ به عنوان مثال، آقای کری و آقای لاوروف، دو نماینده دو قدرت برتر دنیا تصمیم گرفتند در سوریه آتش‌بس شود. شد؟ نشد. اما همان روسیه در کنار ایران و ترکیه تصمیم گرفت تا در سوریه آتش‌بس شود و الان نزدیک به دو ماه است که کمابیش آتش‌بس داریم؛ بنابراین امکان حذف کنشگران مؤثر نیست. اگر چه ممکن است ما روزهای دشوارتری داشته باشیم. شما در سیاست خارجی باید بر توانمندی‌های خود حساب کنید. توانمندی‌ها در حوزه‌های مختلف به شمول دیپلماسی عمومی، به عنوان ابزارهای نفوذ به حساب می‌آید. می‌گویند ایران هفتمین کشور دارای نفوذ دیپلماتیک، نمی‌گویند هفتمین کشور دارای توان اقتصادی یا نظامی. برخی اشتباه برداشت کرده و تصور می‌کنند ایران هفتمین قدرت نظامی دنیاست. اگر بنا بر قدرت نظامی بود، در این فهرست اول آمریکا، بعد چین و ژاپن و بعد روسیه قرار نمی‌گرفت؛ زیرا توان هفتمین قدرت از چین و ژاپن بیشتر است. نفوذ حرف دیگری است و اگر می‌گویند ایران هفتمین قدرت بانفوذ دنیاست، یعنی عواملی شامل قدرت نظامی، قدرت اقتصادی و ابعاد دیگری از قدرت که اصطلاحاً به آن قدرت معنایی می‌گوییم. این کشور (ایران) به‌راحتی قابل حذف نیست؛ البته هوشمندی، درک شرایط و پیشبرد منافع ملی و بین‌المللی ما نیز باید در همه شرایط لحاظ شود؛ زیرا ما نه تنها در دوران گذار نظام بین‌الملل که معادلات را پیچیده می‌کند، قرار داریم، بلکه در دوران گذار در یکی از کشورهای قدرتمند دنیا، یعنی آمریکا و دوران گذار در اروپا نیز هستیم. بالاخره خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا مهم است و تحولاتی که در انتخابات فرانسه و آلمان شکل خواهد گرفت تحولات و آینده اروپا را رقم خواهد زد. تحولات منطقه ما نیز بسیار مهم است. مجموعه این شرایط این ضرورت را چند برابر می‌کند که شما یک لحظه از رصدکردن و پیش‌بینی کردن عقب‌نمانید.

**فکر می‌کنید ترامپ در آمریکا همان نقشی را ایفا خواهد کرد که گورباچف در شوروی بازی کرد؟**

این یک پیش‌بینی زودهنگام است، اما من فکر می‌کنم گورباچف در واقع عامل تغییر نبود و خودش نیز نشانه تغییر یک ساختار بود. یک نفر نمی‌تواند یک کشور را زیروبرو کند. برخی از دوستان ما به اشتباه فکر می‌کنند گورباچف، تغییر را به روسیه تحمیل کرد، اما به اعتقاد من تغییری ایجاد شده بود که گورباچف آن را نمایندگی یا حداکثر تسریع کرد. الان در آمریکا چند رقابت داریم؛ رقابت داخلی و خارج و رقابت در داخل؛ یعنی رقابت بین صنایع نو و صنایع کهنه. ترامپ در این رقابت نماینده صنایع کهنه است و باید ببینیم این رقابت‌ها واقعا از نظر ساختاری به شرایط جدیدی منتهی می‌شود که بگوییم ترامپ نماینده یا تسریع‌کننده آن است یا خیر. من فکر می‌کنم هنوز برای این پیش‌بینی زود است. ضمن اینکه من متخصص این حوزه نیستم تا بدانم تحولات اقتصادی در حال وقوع در آمریکا چقدر واقعی است.

**از آمریکا فاصله بگیریم، اخیراً به واسطه کنفرانس مونیخ روزهای پرکاری داشتید. در این کنفرانس برگسترش همکاری‌های منطقه‌ای و جلب همکاری کشورهای منطقه برای افزایش ثبات تأکید داشتید، اما به شکل غیرمنتظره - البته شاید برای شما غیرمنتظره نبوده باشد - ترکیه و عربستان همسو با اسرائیل علیه ایران موضع‌گیری کردند.**